

در مجلس شورای ملی اشخاصی هستند که جز زمامداران دوره فترت بوده اند و عده شان خیلی قلیل است سه یا چهار نفر بیشتر نیستند اگر لفظ زمامدار را رئیس الوزرا یا وزیر تفسیر نمایند سه نفر بیشتر نیستند و هیچکدام در این کمیسیون حاضر نیستند عضویت داشته باشند ولی اگر بخواهند زمامدار را توسعه بدهند ولیدر حزب و سیاستمدار و غیر آنها تفسیر کنند تصور میکنم انتخاب همچو کمیسیونی از این مجلس ممکن نشود و باید فکر دیگری کرد برای اینکه اغلب آقایانی که اینجا تشریف دارند همه بمناسباتی داخل در سیاست مملکت بوده اند و گمان نمیکند در این مدت فترت زندگانی آقایان متوقف بوده همه يك کاری داشته اند یکی جزء حزب بوده یکی سیاستمدار بوده یکی روزنامه نویسی بوده همه داخل بوده اند و اگر این توسعه را قائل بشویم میدانم چه خواهد شد بهر جهت اینجا مذاکره شود بهتر است و ممکن بود اگر این مذاکرات پیش نمی آمد بنده از نقطه نظر شخصی مخالفت نکنم ولی حالا که این مطلب مذاکره شد گمان میکنم هم تکلیف بنده مشکل شده هم تکلیف آقایان حتی آقای حاج شیخ اسدالله هم بطور موافقت از طرف يك جمعیتی اظهار کردند تصور می کنم اینطور نباشد چرا؟ برای اینکه کمیسیون مجلس در بسته و پس برده است آقایان تماشاچها روزنامه نویسا در آنجا نیستند که به بینند يك کمیسیونی در کیفیت انتخاب اعضاء و طرز جریان آن از روی چه مدرک نتیجه می گیرد و اگر قائل بشوید که بالاخره آن نتیجه بمجلس می آید و مباحثه می شود پس چه مانع دارد که حالا همین جا مذاکره بشود و اگر میفرمائید مذاکراتی که آنجا میشود در این جا گفته نشود من کاملاً مخالفم و تصور نمی کنم هیچکدام از رفقای جمعیتی من هم باین مطلب موافق باشند چرا؟ برای اینکه ماو کلای ملت هستیم وظیفه ما این است که حرف را روبروی مردم بزینم فرمودند این يك توپ بزرگی است و باید طوری بزینم که به هدف و نشانه بخورد بنده عرض می کنم نه فقط این توپ را باید اینطور خالی بکنیم بلکه تمام توپها را باید اینطور انداخت نظر بنده هم این است که توپ را در هوا نباید انداخت پس در اطراف این توپ و در اطراف این قضیه يك حرفهائی است چه عیبی دارد آن حرفهائی که گفته شود شاید بعضی آقایان يك ملاحظاتی دارند بنده اینطور احساس می کنم که شاید يك قسمت از این ملاحظات مربوط باشد بمقامات سیاسی که بعضی بر آن مسائل استثناء قائل هستند ولی شخص بنده اساساً استتار را قائل نبوده و اگر خاطر آقایان باشد در همینجا در موضوع پروگرام دولت و در وقتی که پروگرام دولت مطرح بحث بود در عدم استتار مطالب سیاسی شرح مبسوطی عرض کردم و ازدولت تقاضا کردم که استتار سیاست را ترك کند و علاوه در مسئله تعیین کمیسیون و صلاحیت اشخاص طرز رسیدگی و شروع از اول یا آخر يك چیزهائی بنده نمی بینم که مذاکره آن سیاست مملکت بر می خورد و اگر يك چیزهائی در بین هست خوب است گفته شود که بنده هم ملتقت شوم تا بعدا اگر نظریه داشته باشم عرض

کنم يك نکته دیگر هم عرض می کنم که در پایان آن مذاکرات بنده تمام شود و آن این است که بنده از نقطه نظر عمل عرض میکنم که اگر این کاری را که اگر امروز متفقاً می خواهیم بکنیم مجلس سوم کرده بود زمامداران کابینه های دوره فترت آسوده بودند و تا اینکه تکیه گاه ملی نداشته و در نتیجه نمی توانستند در ایام فترت بافکار همومی مجلس شورای ملی تکیه کنند یا مواقع فوق العاده و رستاخیز گیتی جنگ بین المللی و سیاستهای مختلفی که سرتاسر دنیا در ضمن ایران را هم فرا گرفته بود ای بسا اشکالات که از گردن آنان ساقط می شد این است حالا که بنده استدعا می کنم که اکثریت مجلس شورای ملی موافقت کنند و هر حرفی در بین هست در همینجا گفته شود چون میدانم بالاخره رأی کمیسیون هم هر چه باشد بمجلس شورای ملی بر خواهد گشت و اگر يك مخالفی هم فرضاً پیدا شود چاره جز تبعیت نخواهد داشت

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده ناچارم مختصری راجع بفرمایشات شاهزاده نصرت الدوله عرض کنم والا بنده عرض می کردم که در کمیسیون مطالب قطع شود و بعرض مجلس برسد بدیهی است بدو مطالب در کمیسیون دقت کامل شده و در واقع پخته و حلاجی میشود بعد راپورت کمیسیون بمجلس خواهد آمد و بعد از اینکه راپورت کمیسیون بمجلس آمد البته مجلس شورای ملی حق خواهد داشت آنرا جرح و تعدیل یا رد کند

ثانیاً بنده خیلی میل دارم که مسائل در همین جا گفتگو شود و بنده از جمله اشخاصی هستم که همواره معتقد باستتار سیاست نیستم و اگر مجلس رای می دهد در همینجا گفتگو و بحث بشود چندان فرقی نخواهد داشت تنها فرقی که هست این است که مذاکراتی که در کمیسیون می شود مقتضی تر خواهد بود و آنوقت نتیجه آن بمرض مجلس خواهد رسید حالا اگر مجلس رای می دهد در اینجا مذاکره شود ما هم عقیده خود را نسبت بطرز اجرای این پیشنهاد و اشخاص منتخب آن اظهار خواهیم نمود در حال بنده شخصاً و اساساً بهیچ وجه علاقمند باستتار حقایق نبوده و در آن مواقعی که هیچ کس جرأت و قدرت اظهار عقاید خود را نداشت بنده با صدای رسا و منبّه و بی پروا می گفتم

رئیس - گویا موقع تنفس رسیده باشد

در این وقت که دوساعت از شب گذشته بود جلسه برای تنفس تعطیل و دیگر تشکیل نشد

جلسه چهارم

صورت مشروح مجلس یوم شنبه

یازدهم شهر ربیع الاول مطابق

بیستم عقرب ۱۳۰۰

مجلس تقریباً يك ساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم پنجشنبه هیجدهم عقرب را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - آقای آقا میرزا ابراهیم قمی

(اجازه)

آقا میرزا ابراهیم - بنده کتباً اجازه خواسته بودم معذرا در صورت مجلس غایب نوشته اند رئیس - برای چه؟

آقا میرزا ابراهیم - امروز بنده برای ضرورتی بیرون رفته بودم شرحی هم حضور مبارک عرض کردم

رئیس - بنده اجازه ندادم زیرا تشریف بریدید و مجلس از اکثریت افتاد

نصرت الدوله - بنده يك اصلاح عبارتی را میخواهم تقاضا کنم راجع بمجمع اتفاق ملل بنده وقتی مذاکره کردم جامعه ملل عرض کردم چون مجمع اتفاق ملل ترجمه غلطی است جامعه ملل نوشته شود بهتر است استدعا دارم اصلاح شود

رئیس - اصلاح میشود

نصرت الدوله - عرض دیگر آنکه در موضوع پیشنهادی که بنده و سردار معظم و سلیمان میرزا کردیم عین عبارت پیشنهاد رسیدگی بمعاملات دوره فترت است

تدین - در صورت مجلس نوشته شد رسیدگی بمعاملات زمامداران دوره فترت

رئیس - لفظ زمامداران حذف می شود دیگر اعتراضی نیست

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس با این دو فقره اصلاح تصویب شد دستور امروز بقیه مذاکرات در پیشنهاد آقای سردار معظم راجع بتشکیل کمیسیون برای رسیدگی بمعاملات دوره فترت است ولی آقای وزیر مالیه تقاضا کرده اند شور دوم ماده واحده راجع بتشکیلات مالیه نیز جزو دستور امروز باشد چندی قبل در ضمن شور اول اینطور احساس فرموده بودند که کلیه مجلس با ماده واحده مخالف است و قبلا ایشان باین خیال کناره گیری نموده بودند ولی بعد از آنکه رأی داده نشد داخل شور دوم بشویم بر ایشان معلوم شد که اکثریت مجلس با ماده واحده مخالف نیست باین لحاظ ایشان مجدداً شغل وزات مالیه را قبول و برای خدمتگذاری بمملکت حاضر شده اند و شور دوم همان ماده واحده را که پیشنهاد کرده بودند تقاضا کردند حالا برای اینکه ماده واحده قبل از پیشنهاد آقای سردار معظم جزو دستور شود مخالفی نیست (بعضی گفتند خیر) آقای زنجانی

(اجازه نطق)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - از جمله مخالفین ماده واحده بنده بودم ولی چون يك مدتی بین شور اول و دوم فاصله شده در بین این فاصله بعضی چیزها نوشته شده و بعضی چیزها گفته شده که بکلی از مقصد ما خارج بودند بعضی گفته اند مادر وزیر لافافه مخالفت با ماده واحده با کابینه یا وزیر مالیه مخالفت می کنیم این مطالب را بکلی تکذیب می کنم من کسی هستم که اگر مخالف با کابینه یا وزیر باشم بی باکانه در اینجا می گویم ما کسی هستیم که با استبداد سینه بسینه زده ایم حالا می خواهیم با کابینه مخالفت بکنیم آنهم دوزیر لافافه خیر با کابینه مخالفت ندارم - با وزیر مالیه بهیچ

وجه مخالفت ندامت و هر وقت مخالف شدم اظهار می کنم فقط بنده باین ماده واحده مخالفت دارم از باب اینکه مقصودم این بوده که با بودن مجلس اختیار تمام بکسی داده نشود بملایه این ماده چند عیب دارد - اولاً - بنده مخالف قانون اساسی می دانم که یک وزیر هم قانون وضع کند هم اجرا کند اگر بفرمایند این قانون نیست و نظامنامه است بنده می گویم اینهم صحیح نیست زیرا که کسی که از ترتیبات اطلاع دار نمی داند اول قانون وضع می شود بعد برای جریان آن نظامنامه وضع می کنند و در وزارتخانهها نظامنامه برای قانون است باینکه نظامنامه را برای امور داخلی بنویسند اگر قانون نیست پس این نظامنامه برای چیست و اگر قانون است یک وزیر نمیتواند هم قانون وضع کند هم اجرا نماید - ثانیاً - مسلماً قانونیست آیا در این ۳ ماه وزیر مالیه مسئولیت دارد یا نه ؟ مسئول چه چیز است کدام مراد مسئولیت او را می رساند آیا ما ماده را بدیده ایم که از او سؤال کنیم چرا این ماده را اجرا نکرده ایم ؟ آیا مطابق این ماده رفتار کردی یا خیر ؟ ثالثاً - اگر در اینجا رأی دادیم که آقای مصدق السلطنه نظامنامه را میخوانند برای امتحان بموقع اجرا گذارند بجزی که در ضمن وزیر است رأی داده ایم و من این را صحیح میدانم رأی مجهول مطلق معنی ندارد -

رابعاً آیا در این ۳ ماه هر گاه وظایف اجرای ادارات و کسانی را که باید مالیات بپردازند معین کردند اگر اجزاء یا مؤدیان مالیات تخلف کردند برای آنها مجازاتی خواهند نوشت و جری خواهند کرد یا خیر ؟ اگر قرار میدهند خیلی بعید است که یک نفر وزیر در نظامنامه مجازات قرار دهد و اجرا کند اگر مجازات قرار نخواهد داد هیچ چیز اجرا خواهد شد مثلاً اگر فلان مأمور مالیه بوظیفه خود عمل نکرد مجازات نخواهد داشت ما میخوانیم یک همچو چیزی را رأی داده عمل کنیم خامساً - هر گاه در این مدت ۳ ماه تمام که بنا است وزیر مالیه یک نظامنامه یا قانون امتحانی بنویسد و جریان پیدا کند جریان پیدا کرده و خوششان نیست بنده فرمودند این نظامنامه که نوشته بودم کافی ندیدم آیا یک نظامنامه دیگری برای یک سه ماه دیگری پیشنهاد خواهند کرد یا بهمین قانون بر خواهند گشت اگر بخواهند باین قانون برگردند نمی توانند چون آن را کافی و صلاح نمی دانند بطور بجزی که قابل اجرا نمی دانند برمی گردند ؟ وقتی که برنگشتند و خواستند یک نظامنامه دیگری بموقع اجرا بیاورند تقاضا خواهند کرد که در یک سه ماه دیگری نظامنامه دیگری بنویسند و به موقع امتحان بیاورند آنوقت اگر آن سه ماه شد یک سه ماه دیگری وقتش خواهد بود -

سادساً - فرضاً اگر یک وزیر مالیه دیگری آمد و گفت من این نظامنامه را نمی پذیرم و تقاضا می کنم برای سه ماهه یک نظامنامه بنویسم و بموقع اجرا گذارم مجلس باو چه خواهد گفت اگر تقاضای او را نپذیرد می گوید وزیر سابق چرا اختیار دادید آنوقت باید علی الاصل بوزاری مالیه اختیار نوشتن

وجه مخالفت ندامت و هر وقت مخالف شدم اظهار می کنم فقط بنده باین ماده واحده مخالفت دارم از باب اینکه مقصودم این بوده که با بودن مجلس اختیار تمام بکسی داده نشود بملایه این ماده چند عیب دارد - اولاً - بنده مخالف قانون اساسی می دانم که یک وزیر هم قانون وضع کند هم اجرا کند اگر بفرمایند این قانون نیست و نظامنامه است بنده می گویم اینهم صحیح نیست زیرا که کسی که از ترتیبات اطلاع دار نمی داند اول قانون وضع می شود بعد برای جریان آن نظامنامه وضع می کنند و در وزارتخانهها نظامنامه برای قانون است باینکه نظامنامه را برای امور داخلی بنویسند اگر قانون نیست پس این نظامنامه برای چیست و اگر قانون است یک وزیر نمیتواند هم قانون وضع کند هم اجرا نماید - ثانیاً - مسلماً قانونیست آیا در این ۳ ماه وزیر مالیه مسئولیت دارد یا نه ؟ مسئول چه چیز است کدام مراد مسئولیت او را می رساند آیا ما ماده را بدیده ایم که از او سؤال کنیم چرا این ماده را اجرا نکرده ایم ؟ آیا مطابق این ماده رفتار کردی یا خیر ؟ ثالثاً - اگر در اینجا رأی دادیم که آقای مصدق السلطنه نظامنامه را میخوانند برای امتحان بموقع اجرا گذارند بجزی که در ضمن وزیر است رأی داده ایم و من این را صحیح میدانم رأی مجهول مطلق معنی ندارد -

رابعاً آیا در این ۳ ماه هر گاه وظایف اجرای ادارات و کسانی را که باید مالیات بپردازند معین کردند اگر اجزاء یا مؤدیان مالیات تخلف کردند برای آنها مجازاتی خواهند نوشت و جری خواهند کرد یا خیر ؟ اگر قرار میدهند خیلی بعید است که یک نفر وزیر در نظامنامه مجازات قرار دهد و اجرا کند اگر مجازات قرار نخواهد داد هیچ چیز اجرا خواهد شد مثلاً اگر فلان مأمور مالیه بوظیفه خود عمل نکرد مجازات نخواهد داشت ما میخوانیم یک همچو چیزی را رأی داده عمل کنیم خامساً - هر گاه در این مدت ۳ ماه تمام که بنا است وزیر مالیه یک نظامنامه یا قانون امتحانی بنویسد و جریان پیدا کند جریان پیدا کرده و خوششان نیست بنده فرمودند این نظامنامه که نوشته بودم کافی ندیدم آیا یک نظامنامه دیگری برای یک سه ماه دیگری پیشنهاد خواهند کرد یا بهمین قانون بر خواهند گشت اگر بخواهند باین قانون برگردند نمی توانند چون آن را کافی و صلاح نمی دانند بطور بجزی که قابل اجرا نمی دانند برمی گردند ؟ وقتی که برنگشتند و خواستند یک نظامنامه دیگری بموقع اجرا بیاورند تقاضا خواهند کرد که در یک سه ماه دیگری نظامنامه دیگری بنویسند و به موقع امتحان بیاورند آنوقت اگر آن سه ماه شد یک سه ماه دیگری وقتش خواهد بود -

سادساً - فرضاً اگر یک وزیر مالیه دیگری آمد و گفت من این نظامنامه را نمی پذیرم و تقاضا می کنم برای سه ماهه یک نظامنامه بنویسم و بموقع اجرا گذارم مجلس باو چه خواهد گفت اگر تقاضای او را نپذیرد می گوید وزیر سابق چرا اختیار دادید آنوقت باید علی الاصل بوزاری مالیه اختیار نوشتن

و وجه مخالفت ندامت و هر وقت مخالف شدم اظهار می کنم فقط بنده باین ماده واحده مخالفت دارم از باب اینکه مقصودم این بوده که با بودن مجلس اختیار تمام بکسی داده نشود بملایه این ماده چند عیب دارد - اولاً - بنده مخالف قانون اساسی می دانم که یک وزیر هم قانون وضع کند هم اجرا کند اگر بفرمایند این قانون نیست و نظامنامه است بنده می گویم اینهم صحیح نیست زیرا که کسی که از ترتیبات اطلاع دار نمی داند اول قانون وضع می شود بعد برای جریان آن نظامنامه وضع می کنند و در وزارتخانهها نظامنامه برای قانون است باینکه نظامنامه را برای امور داخلی بنویسند اگر قانون نیست پس این نظامنامه برای چیست و اگر قانون است یک وزیر نمیتواند هم قانون وضع کند هم اجرا نماید - ثانیاً - مسلماً قانونیست آیا در این ۳ ماه وزیر مالیه مسئولیت دارد یا نه ؟ مسئول چه چیز است کدام مراد مسئولیت او را می رساند آیا ما ماده را بدیده ایم که از او سؤال کنیم چرا این ماده را اجرا نکرده ایم ؟ آیا مطابق این ماده رفتار کردی یا خیر ؟ ثالثاً - اگر در اینجا رأی دادیم که آقای مصدق السلطنه نظامنامه را میخوانند برای امتحان بموقع اجرا گذارند بجزی که در ضمن وزیر است رأی داده ایم و من این را صحیح میدانم رأی مجهول مطلق معنی ندارد -

رابعاً آیا در این ۳ ماه هر گاه وظایف اجرای ادارات و کسانی را که باید مالیات بپردازند معین کردند اگر اجزاء یا مؤدیان مالیات تخلف کردند برای آنها مجازاتی خواهند نوشت و جری خواهند کرد یا خیر ؟ اگر قرار میدهند خیلی بعید است که یک نفر وزیر در نظامنامه مجازات قرار دهد و اجرا کند اگر مجازات قرار نخواهد داد هیچ چیز اجرا خواهد شد مثلاً اگر فلان مأمور مالیه بوظیفه خود عمل نکرد مجازات نخواهد داشت ما میخوانیم یک همچو چیزی را رأی داده عمل کنیم خامساً - هر گاه در این مدت ۳ ماه تمام که بنا است وزیر مالیه یک نظامنامه یا قانون امتحانی بنویسد و جریان پیدا کند جریان پیدا کرده و خوششان نیست بنده فرمودند این نظامنامه که نوشته بودم کافی ندیدم آیا یک نظامنامه دیگری برای یک سه ماه دیگری پیشنهاد خواهند کرد یا بهمین قانون بر خواهند گشت اگر بخواهند باین قانون برگردند نمی توانند چون آن را کافی و صلاح نمی دانند بطور بجزی که قابل اجرا نمی دانند برمی گردند ؟ وقتی که برنگشتند و خواستند یک نظامنامه دیگری بموقع اجرا بیاورند تقاضا خواهند کرد که در یک سه ماه دیگری نظامنامه دیگری بنویسند و به موقع امتحان بیاورند آنوقت اگر آن سه ماه شد یک سه ماه دیگری وقتش خواهد بود -

سادساً - فرضاً اگر یک وزیر مالیه دیگری آمد و گفت من این نظامنامه را نمی پذیرم و تقاضا می کنم برای سه ماهه یک نظامنامه بنویسم و بموقع اجرا گذارم مجلس باو چه خواهد گفت اگر تقاضای او را نپذیرد می گوید وزیر سابق چرا اختیار دادید آنوقت باید علی الاصل بوزاری مالیه اختیار نوشتن

و دیگری قوانینی است که بشر وضع میکنند ناموس طبیعتش گویند قانون مقدس الهی هم در موافقی که بمشکلات برخورد بحکم خود مقنن موقوف الاجرا می شود -

زیر الضرورات بتسخیر المعضورات المحظورات مثلا عرض می کنم قانون آسمانی ما بنای اسلام و دیانت اسلام را بر چند چیز می گذارد من جمله صوم است و صلوة است و حج است و جهاد در همین روزه ماه مبارک رمضان اگر مکلف باشکالاتی برخورد بحکم خود مقنن نباید عمل کند بلکه اگر روزه بگیرد معصیت کرده -

پس در قوانینی هم که بشر وضع می کند که موضوع آن قوانین مکلفین بآن قوانین هستند یعنی امانت و پیشکاران مالیه که در دوائر دولت و مرکز می باشند آن وقت اگر این قانون مثلاً سه ماهه موقوف الاجرا نماند و تشکیلاتش تجدید شود ما باید خیلی برای آنها تأسف بگویم که عملیات آنها خیلی مشغول مبدا خدای نخواستار یعنی بر آنها وارد شود از این نقطه نظر است چون هر قانونی در عالم یک موضوع و یک نتیجه دارد موضوع قوانین خدا افعال مکلفین است و نتیجه اش رسیدن بمساجد عالی و فوز بسادات و از این قوانینی هم که بشر وضع می کند هم بطور است مثلاً قوانین مالیه موضوعهائی داشته که یکی از موادش راجع امانت و پیشکاران مالیه است که در ولایات میروند بنده می خواهم یک مختصری در دخل صحبت کنم و عرض کنم در سنه ۱۳۲۴ که مجلس شورای ملی و نمایندگان آن دوره رأی دادند مالیاتها را از زوری جزو مهمهای قدیم بگیرند اگر آن زمان را با سال گذشته ۱۳۳۹ مقایسه کنید خواهید دید که نصف یا قطعاً نلث کسر شده است پس مکلفین باین تکلیف از همه تکلیف بر نیامده اند این یک چیزی بوده که حساب داشته و آن چیزهایی که بدون حساب بوده است نه ورقه چایی داشته نه تیر دولتی داشته چه حالی داشته از قبیل ذابیح نوافل تعدید تریاک و غیره و غیره وقتی حساب این چیزها را مطالعه و مذاقه کنیم می بینیم نصف بله که قطعاً نلث کسر شده اما راجع با ادارات و وزیر مالیه از مجلس شورای ملی نخواستار است اختیارات جمع و خرجی را باو بدهند چیزی که خواسته همان است که در دوره سوم هم مورد مطالعه بوده و خود مقنن آن دوره می فرمودند باید این قانون بموقع اجراء برود و معایش ظاهر شود ببینیم عملی است یا خیر بعضی ها هم در آن دوره عقیده باین تشکیلات با عرض و طول نداشته ولی در اقلیت بودند حالا عرض می کنم که آیا این قانون مالیه مملکت را اصلاح و یا جلوگیری از خراب کاریهای مرکز و ولایات کرده این قانون حساب مملکت را روشن کرده و با ادارات مثلا اداره خزانه داری - اداره تطبیق حوالجات - اداره محاسبات در عرض این پنج سال که مقنن حاضر نبود آیا کاملاً ایفاء وظیفه کرده و حقیقه در این مملکت بحسابها رسیدگی کرده اند که حالا دلتنگی حاصل کنیم مبدا خدای نخواستار این مواد نه گانه ازین برود و ملتی شود خوب بدقت ملاحظه فرمائید در آن دوره ما در مرکز بودیم و در همان اوقاتی که با یکی هاتصدی بودند

بخاطر آقایان می آورم که در همین طهران در جایید مرکزی فریاد می زدند که چند روزی ما از اجزاء خزانه داری می توانیم تشکیل ندیم بعد که این قانون وضع شد اجزاء را کم کردند بهترین قوانین دنیا قانون مقدس الهی است وقتی بدست مکلف بد افتاد سوء استعمال می کنند این آقا (اشاره بوزیر مالیه) می گویند مکلفین باین قانون ایفاء بوظیفه نکرده اند من می خواهم اختیارات بگیرم و تشکیلات صحیح بدهم و آمده است این ماده واحده را پیشنهاد کرده که اختیار بگیرد و جلوگیری از این هرج و مرجع بکنند من نمی دانم چه مانع دارد از آنطرف اگر صحبت در اصل قانون است و می گویند مخالف قانون اساسی است من نمی دانم کجای قانون اساسی همچو چیزی هست ایجاد و نسخ قانون از وظائف اصلی مجلس شورای ملی است و اگر نباشد قوانینی که بشر برای زندگانی خود وضع می کند همیشه ثابت باشد فرانسها باید هفتصد خرور قانون داشته باشد البته عمل می کنند وقتی باشکال بر خورد کردند و اصلاحاتی لازم دانستند هیئت دولت و وزیر مملکت پیشنهاد می کنند مقنن هم اگر صلاح مملکت را در نسخ و الغاء دید انشاء می کند حالا چه مانع دارد یک وزیری که همه باو اعتماد دارید و من می شنوم در بهارستان بلکه در فضای طهران و همه ایران همه اظهار تشکر از اومی کنند اختیاری نمی دید این شخص میگوید اختیار تشکیلات مالیه را بمن بدهید تا بودجه را اصلاح کنم بنده عرض می کنم مانع این کار چه چیز است بر- می گردیم بعض اولیه بنده عرض می کنم هر قانون بمغضورات برمی خورد مقنن حق دارد اصلاح کند بحکم مقنن اصلی و اولیه الضرورات بتسخیر المعضورات ما دیدیم قبل از این تشکیلات یک تشکیلاتی بود که نسخ نموده و حالا هم آقایان نمایندگان دوره سوم حاضرند به مناسبت قانون ۲۳ جوزا را نسخ کردند بواسطه مشکلاتی بود که پیدا شده بود مواد قانون گاهی نکرده بود مکلفین بقانون گناهکار بودند این قانون هم همین طور مکلفین باین مواد رهیت مملکت را مستاصل و پیریشان کرده اند مکلفین باین مواد حال مالیه مملکت را باین روزانداخته اند از دوره اول مجلس تا بحال که شانزده سال است و چهار سال مجلس داشته تا اکنون مقنن فریاد زده بودجه مملکت را می خواهم و حال آنکه اگر در یک تجارتخانه دوست کروریا سیصد کرور صادرات و واردات داشته باشد رئیس آن حساب می خواهد در ظرف چهار هشت ساعت خیلی طول بکشد یک هفته حساب این صادرات و واردات با جزئیات کاردا می دهد و این دوره هم که پنجاه است از هر مجلس شورای ملی می گذرد هر قدر و کلاه و روزنامهجات فریاد میزنند تعقیب می کنند بجای نمی رسد و پنجاه دیگر هم که بگذرد ما بجمع و خرج نخواهیم رسید در این صورت اگر یک اختیاراتی باین وزیر مالیه بدهیم که یک سر و صورتی بدهد چه ضرر دارد ؟ فرضاً وقتی هم که خیلی خراب و واروا در تازان مثل امروز خواهد بود

رئیس - آقایان نصرت الدوله و محمد شاه میرزا و آقا سید یعقوب و آقای حاج شیخ اسدالله موافقت آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده آنچه باید بگویم در موقع شور اول گفتم ولی متأسفانه از موافقین محترم بهیچوجه جواب سئوالات خود را نشنیدم مثلاً آقای سلطان العلماء در موقمی که می فرمودند قوانین را بدو قسمت نمودند قوانین آسمانی و قوانین نوع بشر بنده بایشان عرض می کنم همان قوانین آسمانی تکلیف ماده واحده را معین کرده حالا تعجب خواهند فرمودند که در فرآن چطور تکلیف ماده واحده معین شده حالا یک آیه میخوانم ملاحظه فرمائید چطور تکلیف ماده واحده معین شده است خداوند کریم بیغیرش می فرماید ما نسخ من آیه اوندهانات بغیر منها او ملها والله علی کل شئی قدیر خداوند تبارک و تعالی بیغیر محترمش وقتی می خواهد یک قانونی را نسخ فرماید میفرماید یا یک قانون مثل آن قانون از برایت می فرستم یا یک قانونی بهتر از آن قانون شرعی و مندی دستورش همین است هر قانونی نسخ شده یا مثل او یا بهتر از او آمده مثلاً در جهاد اول بنا بود یک نفر مسلمان در موقع جنگ از مقابل ده نفر ظاهر آ فرار نکند و جهاد کند بعد خداوند تخفیف داده فرمودند الا خفف الله عنکم و علم آن فیکم ضمناً بجهت اینکه دید مسلمانها ضعیفند دو نفر در عرض یک نفر قرار داد و آن حکم اولی را نسخ فرمودند در این صورت مقتضی نیست یک قانونی را که ما نسخ می کنیم چیزی بجای آن نگذاریم این یک سؤالی است و بقول بعضی از آقایان آتشین هم نیست یک قانون تشکیلاتی هست حالا با صحیح یا ناقص با قلم یک چیزی درست هست حالا می خواهم آن را نسخ کنیم اگر بترتیب قانون گذاری آسمانی و مندی است که دستور آنرا داده اند و همانطور که عرض کردم مثلش را وضع کنیم یا بهتر از آن را اگر ترتیب قانون گذاری مجلس تمام دنیا است آنهم که همین طور است آقایانی که قوانین اروپا را می دانند آری می توانند یک موقمی پیدا کنند که در مجلس شورای ملی یک قانونی را نسخ کرده باشند و چیزی جایگزین نداشته باشند آقای سلطان العلماء در همان هفتصد خرور قوانین فرانسه یک سطر که دو مقال ورزش باشد پیدا کنند که یک قانونی را نسخ کرده باشند و چیزی جایگزین نداشته باشند آقای سلطان العلماء در فرمایشات خودشان خرابی مالیه و تقصیرات مأمورین مالیه را بگردن قانون گذاشتند آیا مالیه خراب است تقصیر قانون است ؟ در قانون رهوه گرفتن نوشته شده ؟ خیر قانون بهیچوجه هیچ چیزی نگفته اگر مالیات بنده را وصول نکرده اند قانون تقصیر دارد ؟ اگر درست مطابق صرفه مملکت مغایر نکرده اند قانون تقصیر دارد ؟ تقصیر مأمورین قانون را روی قانون نباید گذاشت اینهم یک سؤالی است که بنده مکرر در این فضای بهارستان در روی این کرسی خطابه کرده ام حالا باز هم خیلی شمرده و بدون حرارت از آقایان موافقین و از آقای وزیر مالیه سؤال می کنم که آیا این قانون را ما نسخ می کنیم (نسخ نمی کنیم بلکه آنرا موقوف الاجرا می گذاریم ممکن است تولید سوء تفاهم کند چون اول ایشان این طور فرمودند بنده هم همانطور عرض کردم باید اولاً بدینم این

قانون را که ماسه ماه موقوف الاجرا گذاشتیم معایش کجا است ثانیاً در این سه ماه همانطور که آقای زنجانی فرمودند اگر خطائی در این ماده دیدند یا اشتباهی پیدا شد ترتیبات تازه پیش آمد که بر ضرر و خسارت مملکت بود آیا مسئولش رأی دهندگان باین ماده واحده هستند یا خیر ؟ و آیا یک وکیل باز حق دارد سؤال یا استیضاح بکنند که چرا این طور شد یا خیر ؟ ثالثاً در ظرف این سه ماه که قانون موقوف الاجرا میشود و اختیار به آقای وزیر مالیه داده میشود اگر این تشکیلات بر ضرر مملکت شد مسئولش کی است ؟ باز هم بنده بطور فرست عرض می کنم و مقدمه اش را کنار میگذارم -

اولاً آنکه این قانون را که میخوانیم موقوف الاجرا بگذاریم معایش چیست ؟ دوم اینکه در ظرف این سه ماه وظیفه وکیل چیست ؟ سوم اینکه مسئولیت وزیر مالیه در تغییراتی که در این سه ماه میدهند تا چه اندازه است ؟ اگر یکی از آقایان لطفاً جواب این سؤالات بنده را بدهند و بنده را قانع نمایند خیلی متشکر میشوم باز هم عرض میکنم که اگر قانون بموقع اجرا گذارده نشد آن قانون مقصر نیست و دلیلی برای موقوف الاجرا بودن آن قانون نمی توان فرض کرد و اگر این اصل را در نظر بگیریم که هر قانونی بمحل اجرا نیامده آنرا باید موقوف الاجرا فرمائید شما عرض میکنم هیچکدام از قوانین گذشته نیست بموقع اجرا آمده باشد یا تمامش بمحل اجرا نیامده یا سه ربع در صد شاید بمحل اجرا آمده باشد پس از قانون اساسی گرفته تا سایر قوانین تماماً باید موقوف الاجرا کرد این یک فلسفه و اصل غریبی است که فعلاً در مجلس اتخاذ میشود که این دلیل را فردا عمومیت بدهند و همانطوریکه که عرض کردم سایر قوانین را که بمحل عمل نیامده پیشنهاد بکنند موقوف الاجرا بگذاریم چه جواب خواهیم داد این یک مسئله است که اگر جوابش را از زوری دقت بدهند فرغ اشتباه از بنده میشود و بنده هم موافق میشوم همانطور که آقای زنجانی فرمودند در این چند روزیکه این قانون مطرح بود یک اشخاصی که هر چیز را سوء تفسیر می کنند یک چیزهایی گفته اند هلت هم اینکه این مجلس شش سال از نظرها دور بود و مذاکرات مجلس را فراموش کرده اند و برای هر کدام از طرفین با مخالف یا موافق یک مقاله های عجیب و غریب نوشته اند مثلاً یکی می نویسد تا کی مخالفت البته تا وقتی که مجلس شورای ملی است اساس مخالفت و موافقت هست تا کی مخالفت تا آنوقت که اساس مشروطیت باشد منتهی بپتروز بند و مخالف یک روز دیگری مانده است این پنج برای همینکه یک قسمت موافق باشم و یک قسمت مخالف اگر فرض فرمائید که وزیر یا وکیل هر کدام پیشنهادی کردند تمام بگویند صحیح است احسن این مجلس نخواهد بود اصل مجلس بترتیبی است که نظامنامه معین کرده بطور موافق و مخالف اگر یک موافقت و مخالفتی نباشد و آقای رئیس راجع بیک چیز بگویند مخالف نیست ؟ کسی اظهار نکند آنوقت معایش بروز می کند و کاملاً تصفه و تقبیح

نمی شود این است که بنده اهمیت باین صحبت ها نمی دهم و تصور می کنم چون هنوز ترتیبات مشروطیت مانوس نشده ایم و بلاوجه چون ما با آزادی مطبوعات که ملا موافق هستیم و متأسفانه فقط آرزو و آمال است بنا بر این ترتیب روزنامهجات موافق و مخالف را می گذاریم بغیال خودشان که آنها مشغول همین کار شوند دسته مخالف و دسته موافق شوند و آنقدر بگویند تا حقیقت پیدا شود ما هم در قسمت خودمان اینجا مشغول باشیم در دفعه سوم باز هم تکرار می کنیم مستدعی هستیم که هر یک از ناظرین محترم یا آقای وزیر یا آقای مغیر که بعد از بنده این جا تشریف می آورند جواب این سؤالات بنده را بدهند تا بنده تکلیف خود را بپردازم

رئیس - آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده می خواهم سعی کنم که سؤالات حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا جواب هر ض کنم حالا نمی دانم بنده سؤالات ایشان را درست فهمیده باشم یا خیر ولی بساندازه که خودم از این سؤالات مطلب درک کرده ام بهمان اندازه جواب می دهم : قسمت اول را که فرمودند جواب آنرا می گذارم با قافای که از بنده متخصص ترند که آن آیه را تعبیر بکنند شاید اگر بنده درست خاطر م باشد مقصود از آیه خود قانون گذار است و شنیده بودم که مقصود از آیه بیغیران و رسولهائی هستند که در دوره های مختلفه می آیند تا موقی که بوجود مقدس خانم انبیا (ص) ختم می شود ولی در هر صورت ما حالا حرف از قانون حرفی با قانون بشری می زنیم اینکه فرمودند آیا میشود یک قانونی را نسخ کرد یا موقوف الاجرا گذارد بدون آنکه بجای آن قانون دیگری گذارده شود تصور میکنم اینجا محتاج سؤال و جواب نیست اگر کسی پیدا شده بود می گفت یک قانونی را الفاء می کنیم و موقوف الاجرا می گذاریم بدون این که هیچ چیز جای آن نگذاریم البته منطقی نبود ولی بنده فرض می کنم که ماده واحده قائم مقام قانون تشکیلات است چون مکرر در مکرر در شور اول مذاکره شد که قانون تشکیلات همی نیست مقصود از این ماده واحده این است که وقتی ما آن قانون را موقوف الاجرا می گذاریم یک اختیاراتی بوزیر مالیه داده شود آن وزیر یک تشکیلاتی را بطور موقت و برای تجربه بوجود نظامنامه تأسیس کند پس نمی شود گفت قانون موقوف الاجرا شده و بجای آن چیزی نگذارده اند پس اگر ایراد نکنند و بگویند این اختیار را نمی شود بوزیر مالیه داد موضوع دیگری است حضرت والا داخل آن موضوع نشدند همینقدر گفتند یک قانونی را موقوف الاجرا می گذارند در صورتی که چیزی بجای آن گذاشته نمی شود و حال آنکه بنده می بینم یک اختیاری بوجوب تصویب خود مقنن (که خود حضرت والا هم فرمودند مقنن مختار در حذف و تغییر قانون است) بیک وزیر داده میشود تا آن وزیر یک اقدامات موقتی بکند و آن ترتیب هم برای اینکه یک صورت قطعی و قانونی پیدا کند البته باید بمجلس بیاید و در مجلس تصویب شود.

سؤال دوم اینست که فرمودند اگر بنده فراموش نکرده باشم حضرت والا سعی داشتند که بگویند خرابی مالیه از قانون نیست و از عدم اجرای قانون و از اشخاص است که مجری آن قانون هستند و مربوط بخود قانون نیست. بنده تصور می کنم که این مذاکره از طرف مخالفین و موافقین در شور اول بقدر کفایت شده و کسی نیست منکر باشد که قسمت اعظم خرابی ها بواسطه اجراء کنندگان و اشخاص بد عمل و بدکار است اما اگر در بین تمام قوانین بگردیم و بغواهییم ببینیم آیا یک قانونی پیدا می شود که خودش هم مقصر باشد گمان می کنم قانون تشکیلات مثل منحصر بفرد باشد زیرا باید دانست نتیجه قانون تشکیلات چیست و البته باید برای همین هم وضع شده باشد یعنی برای وصول و از روی کنترل و مرتب خرج شدن عایدات و آقای وزیر مالیه در شور اول مکرر گفتند که این قانون این تقصیر را دارد و اینکه را بطوریکه باید نکرده اگر آقای وزیر مالیه شکایتی از این قانون دارند برای همین است که می بینند اگر بغواهند بوجوب این قانون مقاصدشان را انجام دهند خود این قانون مانع و رادع خواهد بود و از طرفی نخواسته اند یک وزیر باشند مثل وزرای مالیه دیگر که اعتناء بقانون نداشته اند و اگر هم میخواستند خود را مقید باین قانون بکنند آنظوری که ما میخواهیم نمی توانند اجرا کنند و از طرف دیگر نخواسته اند بدون مطالعه و تأمل یک پیشنهادی بمجلس بکنند یا اینکه یک مدتی در وزارت مالیه بمانند بدون اینکه بتوانند اصلاحاتی بکنند آنهم البته نه از برای مجلس خوب است نه از برای ایشان اینست که از برای احتراز از این مسئله یعنی اول ماندن در وزارت مالیه بدون اینکه قادر باصلاح خرابی ها باشند و دوم آوردن قوانینی بمجلس که هنوز نسبت بآنها تجربه حاصل نشده و شاید از آنها زحماتی در آتیه تولید شود خواستند از این راه عمل کرده باشند و البته این ماده اگر راجع بیک قوانین کلی و بیک قوانین مهم که مربوط باساس مالیاتی بود خود بنده هم موافقت نمی کردم ولی چون راجع بیک تشکیلاتی است در این صورت بنده تصور کردم و موافقین با من هم دارای این عقیده هستند که یک وزیر مالیه که کمال اعتماد را بایشان دارند می شود این همراهی را بایشان کرد مسئله سوم که مهمتر از همه بود مسئله مسئولیت وزیر مالیه بود که حضرت والا سؤال کردند (مسئولیت وزیر مالیه بر طبق چیست) بنده درست این مطلب را مستحضر نشدم ولی خودم تشریح میکنم برای اینکه در ضمن عقیده خود را برض رسانده باشم - مقصود از مسئولیت وزیر مالیه چیست کلیه وزرای یک مملکت مشروطه همیشه در مقابل مجلس شورای ملی مسئول اعمال خوب و بد خودشان هستند یعنی اگر یک عملیاتی بکنند که مخالف مصالح و منافع مملکت باشد یا موجب تضییع مالیه دولت باشد مؤاخذه بمجلس هم بر طبق اصول مقرر که سابقه اش در تمام دول مشروطه هست و در ایران هم کم و بیش اجرا شده و سائلی برای مؤاخذه دارد و

مواخذه و استیضاح سؤال خواهند نمود پس نسبت باین مطلب کلی یعنی مسئولیت وزراء بودن و نبودن قانون تشکیلات چیزی بر مسئولیت آنها اضافه و کسر نمی کند اما مسئولیت دیگری وزیر مالیه فرض کنیم که مخصوص بوزیر مالیه باشد یعنی حفظ عایدات دولت و سعی در تفریط نشدن عایدات است این مسئولیت وزیر مالیه هم در قانون تشکیلات مشخص نشده که بگوئیم اگر این قانون موقوف الاجرا بماند مسئولیت وزیر مالیه از بین می رود اگر مقصود از مسئولیت وزیر مالیه این است که فلان اداره را برداشته و فلان اداره را بجای آن گذاشته چون ما بوجوب ابتداء واحد و او خیر؟ بنده عرض میکنم البته وزیر مالیه مسئولیت دارد بلکه بالعکس با خواستن این ماده واحده وزیر مالیه بیشتر مسئولیت دارد و ما هم بیشتر قادر خواهیم بود که اگر ایشان اداری را که تأسیس میکنند بدتر از اولی باشد از ایشان مواخذه کنیم و در این صورت تمام موافقین با ماده واحده با حضرت والا و با مخالفین شربک خواهند بود که وزیر مالیه را در تحت استیضاح بیاورند و او را مشغول کنند و ابداً بواسطه رأی دادن باده واحد خود را مقید نمایند پس اگر مقصود از مسئولیت بهمین طرق مختلفه بود که آنچه بنظر بنده رسید در جواب عرض کردم ولی اگر چیز دیگری باشد محتاج توضیح است اما نسبت بآن قسمت دیگری که اشاره فرمودند و آقای زنجانی هم در بند نطق خودشان فرمودند این سوءتفسیرها که میشود ما هم می بینیم گاهی درست است گاهی غلط است هر کس بعقیده خودش تفسیری میکند گاهی این تفسیر ها غلط میشود و گاهی درست هیچ ضرری ندارد در هر صورت همانطور که ما آزادی را برای خودمان قائلیم باید برای دیگران هم قائل باشیم

رئیس - آقای آقامیرزا سید حسن کاشانی موافقت یا مخالف

آقای آقامیرزا سید حسن - مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقای آقامیرزا سید حسن - بنده آنچه از ابتداء تا بحال در باب ماده واحده مذاکره شد گوش دادم می بینم موکلین ما اجازه بمانندند که ما چنین اختیاری را از خودمان سلب کنیم و دیگری بدهیم ما با شخص وزیر مالیه هیچ مخالفتی نداریم با کابینه هم هیچ مخالفتی نداریم بلکه بنده با این ماده مخالفم چرا؟ برای اینکه یک قوانینی که از مجلس شورای ملی گذشته ما می بینیم بواسطه اشخاصی که مواظبت در جریان قانون نکرده اند وضع قانون باین جا رسیده است و امیدوار بودیم آقای مصدق - السلطنه وقتی وزارت مالیه را قبول کردند این قانون را بهترین وضعی بجز این بیندازند آن چه روز بلکه متجاوز قریب دو ماه است که باین کابینه رأی اعتماد داده شده و برای هر وزارت خانه یک کمیسیون تشکیل شده کمیسیون بودجه و کمیسیون قوانین مالیه مقرر که سابقه اش در تمام دول مشروطه هست و در ایران هم کم و بیش اجرا شده و سائلی برای مؤاخذه دارد و

بگویند اشکال وصول آنها چه چیز است يك ماده واحده آورده اند و در آن ذکر کرده اند که يك نظام نامه بنویسند و در مدت ۳ ماه اجرا کنند پس از آن بشکل لوایح قانونی بیاورند بمجلس پیشنهاد کنند چطور می توان يك قوانینی را که مقدری وقت و پول و عمر صرف آنها شده است اینطور سه ماه سه ماه موقوف الاجرا گذاشت تا ببینیم چه می شود با کمال اعتمادی که با آقای وزیر مالیه هست باز بنده احتیاط را از دست نمیدهم و عرض می کنم شاید نتوانست اداره کند آنوقت چه خواهد شد دوباره خواهیم گفت بصورت اول باشد چرا از اول چنین کاری بکنیم اگر قانون دیگری را روی کار بیاورند آنهم همینطور شاید سه ماه طول بکشد و نتوانستند بجز این بیندازند بنده بطور اختصار عرض میکنم که آقای وزیر مالیه خوب است مشکلات قانون را ذکر کند تا اینجا از روی بصیرت اگر باید تغییر بدهند تغییر بدهند **سر دارم عظم** - در فرمایشات نماینده محترم که آن مخالفت میفرمودند با ماده واحده فقط يك يك قسمت آن قابل سوء تفاهم است چون فرمودند موکلین ما با حق نداده اند باین ماده واحده رأی بدهیم بنده این قسمت را درست نفهمیدم زیرا موضوع اختیار و کلا که از طرف موکلین با آنها و آنگاه میشود مطرح بحث میشود مطلب خیلی ساده است و بنده از آقای سلیمان میرزا اظهار امتنان میکنم که امروز اشکالات خودشان را خلاصه بیان کردند و تقاضای جواب نمودند و معلوم است روی چه زمینه مکالمه و بحث می کنیم شاید بعضی باشند که بگویند مقنن حق ندارد يك قانونی را نسخ کند یا موقوف الاجرا بگذارد آیا آقامم مقصودشان همین بود و برای این تصور فرمودند موکلین بایشان چنین اختیاراتی را داده اند؟ بنده برای استحضار خاطر ایشان عرض می کنم که داشتن سمت نمایندگی این حق را بنمایند میدهد یعنی هر نماینده بدون (فراندم) بدون مراجعه بموکلین خود این حق را دارد که همراه از قانون را نسخ کند یا موقوف الاجرا بگذارد این یکی از حقوق مسلمه نمایندگان است مجلس شورای ملی یعنی هیئت مقننه حق دارد هر قانونی را نسخ کند و هر قانونی را موقتاً موقوف الاجرا بگذارد و الزامی هم ندارد در عوض قانون نسخ شده قانون دیگری وضع کند مخصوصاً در قوانین عرفی می شود خیلی قوانین را نسخ کرد و هیچ چیز هم بجایش نگذاشت مثلاً در اینجا قانون نمک را نسخ کردند و چیزی هم جایش نگذاشتند کسی هم ایراد نکرد که چرا يك قانون موجود را نسخ کردید و هیچ چیز جای آن نگذارید این حق از برای مقنن هست که يك قانونی را نسخ کند و يك قانونی را موقوف الاجرا و هیچ چیز هم بجایش نگذارند نه قانون اساسی جلوی ما را می گیرد و نه قوانین عادی هیچ چیز جلوی ما را نمی گیرد آقای وزیر مالیه هم ممکن بود يك لوایحی را که قبلاً در دفتر خودشان تهیه کرده اند بیاورند بمجلس شورای ملی و ما هم در آن بحث کنیم ولی اگر این کار را میگردند عمل میشود بهمان ترتیبی که در باب قوانین در این مملکت مجری است یعنی قوانین مملکت ایران از روی تجربه و

احتیاجات مملکتی وضع نشده فقط بواسطه امیدواری بحسن نتیجه وضع میشده است در صورتیکه در جاهای دیگر فقط و فقط اکتفا بامیدواری نمیکند ما در اینجا خیال میکنیم انشاء الله این قانونی که می نویسیم خوب خواهد شد بسا میشود برعکس نتیجه بدی بخشد در سایر جاهای وقتي يك قانونی می نویسند احتیاجات آن مملکت را در نظر میگیرند و آنوقت مینویسند و همین ملاحظه است که در مالک دیگر هیچوقت قانون غیر مجری نمی ماند چرا؟ برای اینکه قانون را از روی احتیاجات عمومی تدوین و اجرا می کنند بالعکس در مملکت ما قانون برای کتابخانه نوشته می شود زیرا اگر قوانین ترجمه است حالاً هم ممکن بود آقای وزیر مالیه قوانین تشکیلات مالیه فرانسه و انگلیس و سایر جاها را هم بزند و بعد يك ترتیب مخلوطی از روی آنها درست کنند و پیشنهاد کنند ما هم رأی می دادیم و تشریف می کردیم ولی ایشان نخواستند این کار را بکنند و خواستند برخلاف عادت ما مطابق معمول سایر جاها که مطابق احتیاجات قانون وضع می کنند عمل کرده باشند احتیاج هم فقط در موقع آزمایش میتوانیم بسنجیم البته مقنن در ضمن وضع این قانون مقصودی داشته والا چندین عقیده بتفویض الفاظ نداشته و ایشان مدعی هستند که آن مقصود بعمل نیامده و می گویند این قانون تا سه ماه موقوف اجراء باشد یعنی مطابق حق که دارید بمن اختیاراتی بدهید من در ظرف سه ماه يك تجربیاتی می کنم و پس از آنکه بانظریات خودم موافقت کردم آنوقت يك قانون کامل تری پیشنهاد مجلس شورای ملی می نمایم چون ایشان خودشان را یابند بقانون میدانند می گویند همینکه مجلس شورای ملی اختیار در موقوف الاجرا ماندن قانون تشکیلات مالیه را نمی داد خودش در حکم قانونست و در واقع يك قانون تازه است بنابراین من اکتفا می کنم بهمان اختیاری که مجلس بمن داده است و در ظرف سه ماه تجربیاتی میکنم و بعد يك قانون دیگری که مربوط به تشکیلات مالیه باشد بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهم نمود بنده هم همانطور که عرض کردم نمی دانم در این امیدواری ایشان موافقت حاصل خواهند نمود یا خیر شاید موافقت حاصل نکنند ولی ایشان می گویند و من هم می بینم با موقوف اجراء بودن این قوانین صدمه وسکت باساس حیثیات اجتماعی این مملکت وارد می شود آنوقت بنده هم در حدود اختیارات نمایندگی که دارم يك قانونی را موقوف الاجرا می گذارم و میگویم بسیار خوب من هم در در این قدم باشم همراه و سه ماه هم بشما مهلت میدهم خود شما اگر قادر شدید يك تشکیلاتی که در عمل هم تجربه شده ترتیب بدهید ما هم خیلی خوشمان می آید والا شما باید اعتراف بفرمائید که نظراتان ساده بوده است و شاهزاده سلیمان میرزا سه سؤال فرمودند و بنده از روی کاغذ نوشتم و بخود ایشانم نشان دادم و دیدند که این سه سؤال عین آن سه سؤال خودشان است اولاً پرسیدند علت این قانون چیست دوم فرمودند اگر مسئولیتی در ظرف اینست متوجه بشود با کسی است؟ سوم پرسیدند اگر وکیلانی بغواهد سؤالی بکنند از کی سؤال بکنند این سه سؤال ایشان بود که در اینجا فرمودند و بنده سعی خواهم کرد که بقدر قوه بیان

خودم باین سه سؤال جواب دهم آقا عیب قانون تشکیلات مالیه چه بوده است؟ بعقیده من قانون تشکیلات مالیه يك عیب بزرگ دارد و يك عیب کوچک عیب بزرگ قانون تشکیلات مالیه این است که آن مقصودی که این قانون برای آن نوشته شد انجام داده نشده و بعقیده من این بزرگترین عیب ما در قانونست وقتی ما در مجلس سوم که هم حضرت والا بودند و هم بنده این قانون را می نوشتیم آیا چه مقصود داشتیم اگر ما اینست که را حل کنیم آنوقت خود ایشان معترف خواهند شد باینکه آن مقصود انجام داده نشده ما در قانون تشکیلات معتقد شدیم بتشخیص عایدات و اداره خزانه برای اینکه تا قائل شدیم باینکه آنکسیکه باید تشخیص عایدات را بدهد و مالیات را معین کند خودش نباید مداخله در وصول کند این بود مقصود ما که اگر پول بدست همان اداره که مشخص عایدات است برسد ممکن است جلب منافع شخص آن اداره را وادار کند که عایدات مملکت را کمتر از آنچه هست دریافت دارد و اگر اداره تشخیص عایدات را از اداره وصول بکلی تفکیک نمایم هیچ کدام صرفه خود را در تقلیل وصول و تقلیل تشخیص عایدات نمی بینند و عیب مذکور حاصل نخواهد شد این بود نظریه ویرسب اصلی که در قانون تشکیلات منظور شده؟ بسیار خوب می بینم آیا ادارات تشخیص عایدات و محاسبات و خزانه داری و طبقه را که با آنها رجوع شده انجام داده اند یا خیر؟ بعقیده بنده خیر چون اگر انجام داده بودند در ظرف این شش سال مملکت باید دارای مالیاتهای منظم و دارای صورتی از مالیات دهندگان مطابق همان ترتیبی که قانون تعیین نموده با مقدار بدمی شان باشد و بالاخره رولهای مالیاتی و جزو جمعی مالیاتی منظم داشته و همیشه در مواقع معینه طبع و منتشر بشود که تمام مالیات دهندگان مصون از تملیات پیشکاران و مأمورین مالیه باشند آیا این ترتیبات در این مملکت مراعات شده یا خیر اگر خزانه داری ما مطابق و ظایف خود عمل میکرد ما بقایای مالیاتی در محل نمی داشتیم و تفریط کارهایی که در این مملکت معمول است ادامه پیدا نمی کرد اگر اداره محاسبات و وظایف قانونی خود عمل مینمود ما دیگر محاسبات غیروشن نمی داشتیم حالا باین دارم که شاهزاده سلیمان میرزا خواهند گفت تمام این بی - قانونها صحیح است و این ادارات وظایف لازمه خود را انجام نداده اند لیکن برای این است که قانون اجرا نشده و بقیته مدعی هستند که اگر این قانون تشکیلات مالیه اجرا شود تمام این مقاصد انجام خواهد گرفت جزو جمعی ما چاپ خواهد شد بقایای وصول و هوایند مملکتی معلوم خواهد شد بلی اگر ایشان با اظهار این عقاید فوری مقام وزارت مالیه را اغفال می نمودند البته بنده هم در مقابل وزیری که مدعی باشد با این قانون تمام این مقاصد را انجام خواهد داد اظهاری نمی کردم و هیچ حق نداشتم این عرایض را اینجا عرض کنم اما متأسفانه وزیری که باید این قانون را اجرا نماید بواسطه همین قانون استنکاف می نماید و اختلاف نظر دارد بنده هم که یک نفر خارجی هستیم می بینم واقعاً این قانون این مواد را انجام نداده است زیرا در ادوار

مختلفه وزرای مختلفه که روی کار بوده اند اگر يك قسمشان مطلقاً منكر اجرای قانون بودند باید تصدیق کرد که قسمت دیگرشان بآن شدت منكر اجرای قانون نبوده اند آنوقت این نظریه بمن جق می دهد که بگویم يك قسمت از معایب در خود قانون و قسمت دیگر آن را جمع بنیون روابط بین ادارات مختلفه وزارت مالیه است گمان می کنم وزارت می که در این ادارات مختلفه روی کار آمده اند يك قسمشان شاید حقیقتاً قابل بودند که قانون را اجرا و در اویروزارت مالیه را وادار بانجام وظایف مرجوعه خود نمایند ولی موفق نشدند پس بنا بر این اگر دو ثلث علت در عدم اجرای قانون است ممکن است اعتراف نمائیم که يك ثلث دیگر آن در بدی قانون تشکیلات مالیه است و آن قسمتی که راجع بعدم اجرای قانون است بعد مجلس شورای ملی با اتخاذ اصل مجازات و مکافات و با خوب گفتن و بد گفتن بدی انشاء الله مرفق باصلاح آن خواهد شد ولی باید دید که این يك ثلث معایب را که از بدی قانون پیدا شده باجه میتوانیم رفع کنیم ، بعقیده من موافقت با وزیر مالیه و رفع نواقص قانون در حین عمل می تواند رفع این علت را بنماید يك بدی دیگر هم که قانون تشکیلات مالیه دارد این است که این تشکیلات برای این مملکت زیاد است بنده بعد از تجربه هائی که از تماشای بودن حوادث پیدا نمودم عقیده ام این است که این مملکت ادارات پر عرض و طول و نودرتورا نمی پسندند هر چه ادارات ساده تر باشد نزدیکتر بروج و اخلاق و احتیاجات این مملکت می باشد این يك حقیقتی است که در نظر من مسلم است و شاید خیلی از آقایان مخالف این عقیده باشند و بمن نسبت اشتباه بدهند و من قبلاً اعتراف میکنم که ممکن است اشتباه کرده باشم و آنچه بنظر خود درك کرده ام این است که هر چه در این مملکت اداره ساده تر و بی شاخ و برگ تر باشد نزدیکتر بطبیعت ماست قانون تشکیلات وزارت مالیه ما این مقصود را انجام نمی دهد و بنده بقدر سهم خودم آقای وزیر مالیه عرض می کنم که اگر در تشکیلات تازه که خیال دارند در وزارت مالیه بدهند باز معتقد بشکثیر شباهت و ادارات زیاد باشند متأسفانه موفقیت نخواهد یافت ولی اگر در اصل سادگی را که لازمه اش حسن جریان کار است معتقد بشوند شاید قسمت اعظم از مشکلات مالیه مملکت مرتفع شود

تا بحال هر نسبت بنده داده اند که نسبتی است که در مدت عمر من نداده اند يك طرفداری از تجار است و با این حال هیچ خجالت نمی کشم که بگویم اصول پیشکاری های سابق را بر اصول ادارات امروزه ترجیح می دهم زیرا مقصود از تأسیس اداره چیست ؟ مقصود نان دادن ب مردم است یا منظور این است که در فلان مملکت صدنلی هائی متعدد و میزهای متعدد یا مستخدمین متعدد دارد خیر مقصود از تشکیل ادارات مراعات هیچک از این نظریات نیست بلکه مقصود از تأسیس اداره این است که حتی الامکان هواید مملکتی کم خرج تر و ساده تر وصول شود و در محل بقایای نمائند و منماً مخارج مملکت نیز تقابل یابد از تمام مظالم باوضاع ولایات سؤال میکنم که آیا در سابق ب مردم تعدی زیاد تر میشد یا حالا در سابق حسن جریان کار

زیاد تر تأمین می شد باحال سابق بقایای معلی کمتر بود یا حالا یقیناً بدون هیچ گفتگو سابق بقایایلی کمتر بود بلکه در حکم صفر بود ولی حالا اسدأ بقایا وصول نمیشود و این یکی از معایب قانون تشکیلات است ادارات مختلفه مثل يك ماشین میماند که دارای چرخهای متعدد باشد همانطور که برای يك ماشین يك مکانسین و استاد ماهری لازم است که آنها را بکار اندازد و مادام که آن استاد ماهر نباشد چرخها بيك ديگر اصطکاک حاصل نموده و گیر می کند و بالتبجه تولید هرج و مرج میشود ادارات ما نیز دارای چرخهای متعددی است و مکانسین ماهری لازم است که آنرا بکار اندازد حالا ملاحظه فرمائید آیا این قسمت از اشکال با اجرا شدن قانون رفع میشود ؟ خیر ! قسمت اول را ممکن بود در زیر سیر و توسل بدم اجرا قانون جواب گفت لیکن این قسمت بقدری واضح و روشن است که دیگر بعقیده من توسل بدم اجرا قانون هم این عیب را رفع نمی نماید برعکس حالا که این قانون اجرا نشده این است خرابی این مملکت و یقیناً اگر اجرا میشد صدمه تبه خرابتر و بدتر بود این دولت راجع به بدی قانون تشکیلات بنظر من بیسرحالاً اگر مخالف محترم در حدود محسنت قانون تشکیلات مالیه در همین زمینه بیاناتی بفرمایند و سعی نمایند که وارد در کلیات معایب مملکتی نشوند (زیرا هم از معایب مملکت مذاکراتی کرده ایم و این دو اشکال بنده را رفع نمایند البته بنده هم اگر توانستم يك جوابی بایشان عرض خواهم کرد و یائینکه اعتراف خواهم کرد که قانون تشکیلات مالیه هیچگونه معایبی ندارد و بالاخره ایشان معتقد خواهند شد که هیب در خود قانون است ! قسمت ثانوی که ایشان سؤال فرمودند راجع به این بود که اگر مسئولیتی در ظرف سه ماه متوجه شود راجع به چیست ؟ اگر چه در این موقع شاهزاده نصرت الدوله جواب خیلی کافی بیان نمودند و با وجود این بنده هم باز چند کلمه عرض میکنم مقصود از این مسئولیت راجع بکدام يك از قسمتهای مالیه مملکت است مسلم است اگر راجع بحسن اداره مالیه کلیه مملکت است بموجب همین ماده واحده وزیر مالیه مسئول خواهند بود البته روزی قبول وزارت می نمایند قبول مسئولیت هم می نمایند و مخصوصاً در تشکیلات و حسن نتیجه تشکیلات وزیر مالیه در مقابل مسئول است زیرا مسئولیت نتیجه داشتن اختیار است و هیچوقت منطقی نیست که انسان تصور يك مسئولیتی را بدون داشتن اختیار برای کسی بنماید همان وزیر مالیه که در مدت سه ماه اختیار دخل و تصرف در تشکیلات وزارت مالیه را از مجلس می گیرد چون در قسمت تشکیلات و اما نسبت بسایر قسمت های مالیاتی ایشانهم مثل سایر وزراء بای نحوکان مسئولیت دارند و هر چه درجه اختیارات زیاد تر باشد درجه مسئولیت زیاد تر خواهد بود و امیدوارم ایشانهم پس از ختم مذاکرات من بر نخواهند خواست و بنده را نکندب نخواهند نمود و نخواهند فرمود من مسئول نیستم پس بعقیده بنده این اشکال مرتفع شد بنده عرض میکنم از حالا

ذیل قرائت نمودند)

تاسه ماه دیگر یعنی تا انتضاء مدتی که قانون تشکیلات مالیه موقوف الاجراء و قانون تشکیلات دیگر برای اصلاحات مالیه بموقع امتحان و عمل گذارده می شود آقای وزیر مالیه یا نزع ایشان مسئول هستند و از حیث تصویب ماده واحده هیچ نوع مسئولیتی از ایشان مرتفع نمیشود و اما اینکه فرمودید اگر وکیل بخواهد سؤالی بکنند مخاطب او کی است ؟ جواب این سؤال بعقیده بنده در ضمن جواب سؤال دوم داده شده کلیتاً جواب سؤال نمایندگان متوجه شخصی است که مسئولیت دارد و وقتی که وزیر مالیه مسئول مالیه مملکت بشود کلیه سؤالات متوجه شخص ایشان است و ایشان مجبور خواهند بود که جواب تمام سؤالات را بدهند ولی باید دانست که بتصویب این ماده واحده جلوی اینگونه سؤالات گرفته می شود که اسم فلان اداره چرا فلانطور شده یا عده آن چرا آنقدر مین شده زیرا مقصود از تصویب این ماده این است که این ادارات و آن ترتیباتی که حالیه می بینیم دیگر موجود نباشد پس اگر يك وکیل در مدت این سه ماه حق اینگونه سؤالات را نداشته باشد گمان نمی کنم سکنه بحق و کالت وارد آید و یابك حقی از وکلا ساقط شود و لولایتکه بنده بعقیده دارم يك وکیل الان هم حق ندارد این قبیل سؤالات را از وزیر بنماید مداخله يك نفر وکیل در کارهای اداری اسباب اختلال کار و منافات بامسئولیت وزیر دارد علی الخصوص که وزیر مالیه حق داشت حذف این ادارات را در موقع تقدیم بودجه درخواست بنماید پس بنا بر این حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا مثل بنده و سایر آقایان مجاز خواهد بود در صورتی که با وجود تصویب ماده واحده رفع نواقص از وزارت مالیه نشود از وزیر مالیه سؤال نمایند و برهم حق استتکاف از جواب را نخواهد داشت بنا بر این تصور میکنم که این سه سؤال حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا جواب داده شد امیدوارم اگر اشکالاتی داشته اند مرتفع شده باشد .

رئیس - آقایان ملک الشعراء و عدل السلطنه پیشنهاد کرده اند مذاکرات کافی باشد .

آقای میر سید حسن کاشانی - بنده میخواهم توضیحی بدم .

رئیس - بفرمائید .

آقای میر سید حسن کاشانی - بنده عرض نکردم موکلین ما بنا اجازه نداده اند که يك قانونی را نسخ بنمائیم بلکه عرض کردم موکلین ما اجازه نداده اند اختیاراتی را که داریم از خودمان سلب کنیم و در غیر حدود قانون بکسی بدهیم تا این مسئله برای سایر وزارتخانهها سابقه شود .

رئیس - رأی میگیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمائید (اغلب قیام نمودند)

معلوم می شود مذاکرات کافی است آقای حاج شیخ اسدالله پیشنهاد نمودند که در ماده واحده لقب آقای وزیر مالیه اضافه شود

(آقای سهام السلطان پیشنهاد مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

بند پیشنهاد میکنم که در ماده این قسم نوشته شود (آقای مصدق السلطنه وزیر مالیه مجاز است الی آخر) (الاحقر شیخ اسدالله معلاتی)

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله توضیحی دارید ؟

حاج شیخ اسدالله - تصور نمی کنم آقایانی که راجع بماده واحده موافقت کرده اند نظرشان بشخص آقای مصدق السلطنه است ممکن است حوادث کابینه یا شخص وزیر مالیه را تغییر بدهد و در این صورت اگر مجلس این اختیار را برای هر وزیری تصویب کرده باشد شاید در آتیبه دچار اشکال بشویم و ممکن است يك وزیری بر سر کار آید که اکثریت مجلس موافق با دادن اختیارات بآن شخص می باشد اینست که بنده پیشنهاد نمودم باین ماده اضافه شود که این اختیار بشخص آقای مصدق السلطنه داده شده تا هر زمانی که ایشان تشریف نداشته باشند وزیر مالیه دیگری این اختیار را نداشته باشد جهت این پیشنهاد بنده این بود که در سابق اختیاراتی مجلس بشوستر داد و در آن اختیارات نام تصریح نشده بود این اختیار مخصوص شوستر است این بود که بعد از او دچار مشکلات شدیم و هر خزانه داری روی کار آمد آن اختیارات را از دولت می خواست و بلکه اجراء می نمود در صورتی که مقصود مجلس این نبود که هر خزانه داری آن اختیارات ۲۳ جوزا را دارا باشد این است که بنده لازم می دانم در این ماده اسم آقای مصدق السلطنه اضافه شود و یقین دارم پیش از این توضیح لازم نیست .

رئیس - رأی کمیسیون در این خصوص سردار معظم - مخبر کمیسیون قوانین مالیه گمان می کنم کمیسیون باین پیشنهاد رأی ندهند زیرا این مطلب در کمیسیون مطرح شد ولی بدلیل وعللی این رویه اتخاذ نشد چون ما می دانیم آقای مصدق - السلطنه وزیر مالیه بود ولی با وجود این در این قبیل مسائل قانونی ما با شخص کاری نداریم کلیتاً ما این اختیار را بوزیر مالیه تعویض کرده ایم

محمد هاشم میرزا - اجازه میفرمائید؟

رئیس - عضو کمیسیون نیستند

محمد هاشم میرزا - خیر

رئیس - راجع به پیشنهاد می خواهید مذاکره کنید

محمد هاشم میرزا - بلی

رئیس و بموجب نظامنامه حق ندارید

حاج شیخ اسدالله - این پیشنهاد بنده و در تصور می کنم که اگر آقای مخبر این پیشنهاد را قبول نکنند بعضی از آقایان مجبور شوند از رأی دادن امتناع نمایند زیرا نظراً اکثریت بشخص آقای مصدق السلطنه بود که حالا نمی خواهم این مسئله را زیادتر تعقیب کنم و اشکالاتی را که از این و ممکن است تولید شود توضیح دهم . بکسی از مشکلات ۲۳ جوزا همین مسائلی است که الان در آن مذاکره میشود و همان قانون ۲۳ جوزا ما را

مجبور بوضع این قانون امروری کرد زیرا در آن موقع که در این جا شروع بمذاکرات شد مبارزه میکردند بعضی میخواستند اختیار خزانه دار را مطابق همان قانون ۲۳ جوزا تصویب نمایند و بعضی می خواستند این اختیارات را بوزیر بدهند بالاخره پس از مشاجرات زیاد این قانون وضع شد این است که بنده عرض می کنم این اختیاراتی را که بوزیر مالیه می دهیم بشخص آقای مصدق السلطنه است و اگر ایشان برونند بنده عقیده ندارم این اختیارات بشخص دیگری داده شود مگر اینکه يك شخص قابل و قادری باشد که نمی تواند مالیه این مملکت را اصلاح نماید و بالاخره محل اطمینان باشد اگر این پیشنهاد را قبول نمایند ممکن است تولید اشکالاتی شود و شاید بالاخره رد شود بنده در صورت رد این پیشنهاد از دهن رأی امتناع مینمایم و شاید جمعی هم باشند که باین عقیده من همراه باشند و امتناع نمایند .

سردار معظم - اولاً تکیه آقای حاج شیخ اسدالله بقانون ۲۳ جوزا می باشد در صورتی که برعکس در آن قانون اسم شخصی برده شده بود معذراً در تحت تأثیرات حوادث آن اختیارات بشخص دیگر داده شد . علاوه عرض می کنم من که باین پیشنهاد رأی نمی دهم سوء تعبیر نشود زیرا طبعاً وقتی ما بوزیر مالیه اختیاری می دهیم لازمه اش اعتماد و اطمینان بآن شخص است این مسئله گفتگو ندارد و محتاج بحث نیست لیکن در این موقع بنده اگر شخصی را حتی الامکان زیاد می دانم زیرا این مطلب از مقام رسمیت و حیثیت لازم می دانم در این ماده برای چه بود ؟ در این ماده زیرا تصور نمیشد اگر ایشان در مدت سه ماه خدای نخواسته نخواستند روی کار خود باقی باشند نمایندگان حاضر باشند اختیاراتی که مطابق ماده واحده بایشان داده شده درباره آن شخص غیر معلوم موقوف الاجراء بماند باین ملاحظات بود که کمیسیون لازم ندانست چیزی بر ماده واحده اضافه شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

که کمیسیون قوانین مالیه متعقد و این مطلب مطرح شود و بعد از اغناء بنام کمیسیون عقیده کمیسیون را نفیاً یا اثباتاً اظهار کنم و اگر غیر از این باشد بنده نمیتوانم این پیشنهاد را قبول نمایم

رئیس - تشکیل کمیسیون را باید خود سر کار درخواست نمایند اگر میخواهند کمیسیون تشکیل گردد ممکن است تقاضا کنند تنفس داده شود و بعد از تنفس نتیجه را معلوم نمائید

سردار معظم - بسیار خوب بنده برای این که نمی خواهم حتی در این مسائل جزئی هم آقای حاج شیخ اسدالله اختلاف نظری داشته باشم و در موقعی که ایشان بر میخیزند بنده نشسته باشم تقاضا می کنم اجازه فرمائید کمیسیون تشکیل شود و ضمناً تنفسی هم بشود

رئیس - اگر آقایان موافق باشند بیست دقیقه تنفس است

« در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید »

رئیس - (خطاب با آقای سردار معظم) نتیجه مذاکرات چه شد

سردار معظم - کمیسیون با حضور پیشنهاد کننده محترم داخل بحث در پیشنهاد ایشان شد و بالاخره چون آن مقصودی را که ایشان در نظر داشتند آن پیشنهاد تأمین نمی کرد لذا کمیسیون لازم ندانست اسم وزیر مالیه بماده واحده اضافه شود زیرا تصور نمیشد اگر ایشان در مدت سه ماه خدای نخواسته نخواستند روی کار خود باقی باشند نمایندگان حاضر باشند اختیاراتی که مطابق ماده واحده بایشان داده شده درباره آن شخص غیر معلوم موقوف الاجراء بماند باین ملاحظات بود که کمیسیون لازم ندانست چیزی بر ماده واحده اضافه شود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - بلی متأسفانه کمیسیون با پیشنهاد بنده موافقت نکرد ولی بنده چون مثل سایر آقایان نمایندگان باصلاح مالیه علاقه فوق العاده دارم و اطمینان کامل دارم که آقای مصدق السلطنه هم در این مدت سه ماه در کابینه تشریف دارند و اگر هر آینه پیشنهادی را که کرده ام تعقیب نمایم این اختلاف منجر باین بشود که بواسطه همین پیشنهاد بعضی از آقایان از رأی دادن امتناع نمایند لذا بنده آن پیشنهاد خود را مسترد می دارم تا آقایان نمایندگان بهمان رای بورت کمیسیون رأی بدهند و بنده چون علاقه کامل باصلاحات مالیه مملکت دارم موافقم

رئیس - باید رأی بگیریم بماده واحده چند نفر از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده اند که اخذ رأی باورقه باشد . آقایان پیشنهاد کننده عبارتند از شاهزاده سلیمان میرزا - آقا میرزا ظاهر تنکابنی خود من مخالفم

رئیس - اگر تقاضای تشکیل کمیسیون مینمائید ممکن است تشکیل شود

سردار معظم عرض کردم اگر آقای حاج شیخ اسدالله که پیشنهاد خود را پس نمیگیرند اجازه میخواهم

بایستی بدهند
(در این موقع اخذ آراء بعمل آمده و آقای سهام السلطان شروع)
(با استخراج آراء نموده و ترتیب ذیل نتیجه حاصل گردید)
عده حضار - ۵۹ ورقه سفید علامت قبول ۴۱ ورقه سفید باقی شخص مصدق السلطنه ورقه کبود ۱۴ (مبتاع ۳)

اسامی قبول کنندگان

میرزا ابراهیم خان هلال آرائی - اقبال السلطان - شیخ العراقین زاده - عماد السلطنه طباطبائی عدل السلطنه - محقق العلماء و سردار مخم - منتصر الملک نصرت الدوله - صدر الاسلام - مستشار السلطنه - حاج مقبول السلطنه - عبدالملك - امین الشریفه - رکن الملك - آقا سید یعقوب - سردار معظم خراسانی متصف الدوله - حاج شیخ اسدالله - محمد شاه میرزا امیر ناصر - حائری زاده - احتشام الدوله و قار الملک مؤمن السلطنه - سهام السلطان - نصیر دیوان - بیان الدوله - سلطان العلماء - سردار معظم - آقا سید فاضل - مشیر الدوله - شیخ محمد جواد - غضنفر خان - رئیس التجار - میرزا علی کازرونی - عماد السلطنه خراسانی - فهیم الملک - آقا میرزا محمد نجات - ملک الشعرایان الملک

اسامی رد کنندگان

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - آقا شیخ الاسلام اصفهانی - آقای آقا سید محمد تدین - آقا سید محمد رضای مساوات - آقای دکتر لقمان - آقا میرزا سید حسن محمد کاشانی - آقای سلیمان میرزا آقامیرزا هاشم آشتیانی - آقای شیخ الاسلام ملایری آقای آصف الملک - آقای فتح الدوله - آقای حکیم الملک - آقای میرزا طاهر تنکابنی - آقا میرزا ابراهیم قاسمی - عده حضار ۵۹ نفر اشخاصی که راهبورت کمیسیون را تصویب کرده اند چهزویک نفر هستند بنابراین ماده واحده تصویب شد
پیشنهادهایی که جزو دستور بوده بجلسه آتی به موکول می شود

فلا چند فقره سؤال هست که باید از آقایان وزراء بشود یکی سؤال آقای سلیمان میرزا است از آقای وزیر فوائد ملی و گویا قبلاً مسوقشان کرده اند

سلیمان میرزا - البته مذاکراتی را که در موقع بحث در پروگرام سایر مواقع آقایان نمایندگان اظهار فرمودند فراموش نفرموده اند چنین اظهار داشتند که وظیفه هر شخص این است که حتی الامکان نیایک شغلی را ممکن است بایرانی محول نمود بیکری یعنی بخارجی نیایستی داد - طبیعی است مملکت ما بالاخره بایستی يك روزی بدست ایرانی اداره شود و اگر فرضاً امروز رأی میدهیم متخصص و مستشار برای مالیه این مملکت بیاورند برای این است که اگر ایرانیها امروز برای اصلاح مالیه وسایر کارها استخدام کافی نداشته باشند باید البته دارا باشیم که هر چه زودتر روزی برسد که مامستغنی از مستشاران خارجی باشیم

و آن روز روزی است که کاملاً ما بتوانیم بگوئیم از هر حیث استقلال ما کامل و انسان مستقل واقعی هستیم و تاریدین آن روز البته برای اصلاح کارهایمان مستشار و متخصص خواهیم خواست ولی این نظریه را نباید فراموش کنیم که حتی الامکان نباید اهالی مملکت خود ما را از کارهایی که بر می آید محروم بکنیم زیرا اگر انصافاً این نظریه را نداشته باشیم دیگر هیچکس در مملکت امیدوار نبوده و زحمت نمی کشد که تحصیل کند و وسایل ترقی خود را فراهم نماید چون بنده خود از اشخاص هستم که این نظریه را دارم و می گویم حتی القدر باید سعی کرد که ایرانیان همیشه مصدر کار و شغل باشند و چون يك مسئله بنده شنیده ام که برخلاف این نظریه است و برای اینکه بدانم صحیح است یا مستقیم وجه مصلحتی در این باب فرض شده این بوده که در صد برآمد از آقای

وزیر فواید عامه سؤالی بکنم و آن این است که البته آقایان هم مطلع هستند که چندین نفر اروپائی بعنوان مهندس با سایر مشاغلی دیگر که بنده درست جزئیاتش را نمی دانم در وزارت فواید عامه بایک حقوق های زیادی در ایام فترت مستخدم شده اند و با اینحال يك کاری را که هر ایرانی هم می تواند اداره کند و شاید در همین طهران عده زیادی از این قبیل اشخاص داشته باشیم که بخوبی از عهده اداره کردن آن کار بر آید معذرت می فرمایند که بنده آن کار را بیک نفر اروپائی که در دوره استخدامش هم سابقه خوبی نداشته بدهند بنده اینطور شنیده ام شاید هم اساس نداشته باشد در صورتی که سوابق اعمال اشخاص اروپائی هم تا اندازه ای بر همه مکشوف است شنیده ام آقای وزیر فواید عامه خیال دارند اودا را مصدر آن شغل قرار دهند و يك ایرانی بیچاره را از يك کاری که تا اندازه اهمیت دارد محروم سازند و آن کار عبارت است از طرق و شوارع که تا کنون در دست ایرانیها بوده است اگر چه مامهندسین اروپائی هم داریم ولی برای سرکشی آن هم خیال دارند مسیو هنس بلژیکی را معین کنند که سابقه کار ایشان بر همه بیاد است بعضی گفتند و بلمنس است

بلی اگر بنده اسمش را عوض گفتم خود آقای وزیر اصلاح می فرمایند در صورتی که سابقه این شخص در خزانه و ارزاق چندان خوب نیست نمی دانم چه میشود يك نفر که از اروپا بایران می آید ذی فتن می شود اگر متخصص در گمرک است چه می شود يك مرتبه در کار دیگر متخصص می شود اگر در نانوائی متخصص است چطور بیک مرتبه معمار باشی و متخصص و رئیس راه می شوم نمی دانم اینها چه نصیری هستند وجه اختصاص باین اشخاص داده شده که از هر شاخی بخواهند بشاخ دیگر می برند و متخصص اول میشوند و ایرانی بدیخت با وجود همه تحصیلش باید يك مهندس هم برای داشته باشد این است که بنده از آقای وزیر فواید عامه سؤال میکنم اگر خدای نخواسته این مطلب حقیقت دارد که بکنی اسباب باس بنده است و اگر حقیقت ندارد توضیح بفرمائید
وزیر فواید عامه - در این موقع هیئت دولت

اینطور صلاح دانسته که مسیو بلمنس که مستخدم وزارت مالیه است موقتاً به ریاست راه منتخب شود تا آتی يك قرار اساسی برای این کار داده شود و اینکه فرمودند مستخدمین خارجی در وزارت فواید عامه زیاد هستند مرض می کنم که فقط دو نفر بلژیکی و يك نفر اطریشی بیشتر نیست

سلیمان میرزا - متأسفانه معلوم شد مطلبی را که بنده بطور تردید مشتبه بودم این قدر اهمیت پیدا کرد که برای يك نفر بلژیکی که هر روز از شاخه بشاخه میبرد و هیئت دولت نشسته اند و مذاکراتی کرده تصمیم گرفته اند و ایشان را بکار منصوب نموده اند چون بنده سؤال می کنم و نمی توانم زیاد تر عرض کنم خیلی خرد داری می نمایم که از حدود سؤال خارج نشوم و الا و اسفاً بیک مملکتی که معاونش هم خارجی باشد با اینکه اعتراف می فرمایند دو نفر از این نوع بلژیکی در اداره دارند و يك نفر هم گویا فرمودند اطریشی سه نفر از نژاد اروپائی در اداره دارند با وجود این شغل سرکشی را هم بیک نفر ایرانی داده میشود و می فرمایند موقتاً باید بدانند تا يك تصمیمات دیگری گرفته شود در صورتی که بنده گمان نمی کنم سرکشی راه این قدر کار مهمی باشد خوب بود لطفاً برای اینکه يك نفر ایرانی هم بکار برسد موقتاً این کار را بایرانی واگذار می کردند شاید از عهده بر می آمد و اگر ایرانی از عهده بر نمی آمد آنوقت با اروپائی که در همه کار متخصص است میداندند

سردار معظم - بنده در این خصوص سؤالی داشتم
رئیس - بفرمائید

سردار معظم - شنیده می شد که دولت تصمیم گرفته است برای اداره کردن راههای شوسه مملکت مثل سایر ادارات متوسل بچلب مستخدم اروپائی شود و منظر این تصمیم دولت که خیلی شایان تقدیس و تقدیر است هر چه زودتر بوقع اجراء گذارده شود زیرا باید اعتراف کنیم که عمل بمانشان داد هر ایرانی سر هر کاری آمد نتوانست آن کار را اداره کند و قادر نبود موجبات حسن اداره را فراهم کند و شاید راه شوسه کل از آن کارها باشد بنده میخواستم از آقای وزیر فواید عامه سؤال کنم این تصمیم دولت در جلب متخصصین اروپائی یا خارجی که البته برای محفوظ ماندن نیست اصل پروگرام باید از دول غیر همجوار باشد و با او وزارت فواید عامه هم ابلاغ شده و آیا فواید عامه هم برای جلب متخصص و اداره کردن راه اقدامی کرده است یا خیر؟ و اگر اقدامی نکرد آیا تصمیم گرفته است اقدامی بکند یا خیر؟

وزیر فواید عامه - در این موضوع هنوز اقدامی نشده ولی تصور میکنم بشود

سردار معظم - تصور میفرمائید در مدت زودی اقدام بشود؟

وزیر فواید عامه - بلی
رئیس - یکی از آقایان سؤالی راجع بحق انتظار دارند ولی صورت سؤال امضاء ندارند
آقا سید یعقوب - متعلق به بنده است چون خط

بنده معلوم بود و همه کس میشناخت امضاء نکردم.
رئیس - پس سؤال بفرمائید
آقا سید یعقوب - قانون اساسی حق النظاره دولت را نسبت بموقوفات معین کرد یعنی دولت حق نظارت در موقوفات دارد چون ماها در کمیسیون عرایض هستیم و همه روزه در این موضوع عرایض و تلگرافاتی میرسد این است که از آقای وزیر معارف سؤال می کنم که لایحه راجع باین مسئله چه وقت بمجلس میفرستد تا کمیسیون عرایض بتواند درست بعرایض مردم جواب دهد

وزیر معارف - در جلسه آتی جواب این سؤال عرض خواهد شد - چون قبلاً بنده را مسیون نکرده بودند

وزیر پست و تلگراف - در قانون اساسی چنین چیزی نیست

آقا سید یعقوب - قانون اساسی معارف و اوقاف

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)
حائری زاده - سؤالی را که بنده میخواهم بکنم آقای آقا سید یعقوب نمودند مقصودم این بود چرا لوایح قانونی را بمجلس نمیفرستند مدتی است که کمیسیون معارف تشکیل شده و ما بیکاریم

رئیس - آقای تدین هم از آقای وزیر معارف سؤالی دارند

قلمیون - با وجود اینکه وضعیت معاین و اجزاء مدارس از حیث تعویق حقوق چندین ماهه بر عموم آقایان ظاهر هویدا است از قراری که میشنویم و ببیند اطلاع رسیده اخیراً حواله وزارت معارف راجع برداخت چندند سبب حقوق عقب افتاده معلمین بکمیسیون تطبیق حوالات رفته که کمیسیون گویا اظهار کرده است تا مجلس شورایی بود چه وزارت معارف را تصویب نکنند من تصدیق نمیکنم حالا این قضیه اگر واقع شده باشد که کمیسیون این حرف رازده باشد در این زمینه که آیا کمیسیون این حق را داشته یا نه وارد نمی شوم فقط از آقای وزیر معارف سؤال می کنم که قضیه همین طور است یا خیر؟

وزیر معارف - بلی همینطور است که وکیل محترم فرمودند کمیسیون تطبیق حوالات این جواب را بنمایند وزارت معارف داده ولی چون این بود چه راجع بسابق است از طرف ریاست وزراء امر خواهد شد که گذشته را بهمین ترتیب بدهند و بودجه وزارت معارف هم بهمین زودی بمجلس تقدیم خواهد شد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله سؤالی که فرموده اید چند روز قبل همین سؤال شد حالا میخواهید تجدید بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - این سؤال نبود با سؤال سابق فرق دارد

اجازه می فرمائید
رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - سؤال سابق بنده این بود که اگر قرار ممنوع کتترات مسیو مولیر منقضی شده يك جوابی هم آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند بلی

استخدام اتباع خارجه البته باید در تحت يك کتترات و قراردادی باشد که بمجلس بیاید و مجلس در از نظر کند مطابق اظهارات آقای وزیر پست و تلگراف کتترات مسیو مولیر منقضی است و بر حسب يك حکمی که از طرف وزارت مشغول کار است البته وزیر حق دارد موقتاً بواسطه حفظ نظم اداره اقداماتی بعمل آورده لیکن استخدام او باید مطابق کتترات باشد و مجلس هم باید آن کتترات را تصدیق کند این است که از آقای وزیر سؤال می کنم کتترات مسیو مولیر را آیا خیال دارند تجدید فرمایند یا خیر. در صورتی که خیال دارند چرا بمجلس پیشنهاد نمی کنند

وزیر پست و تلگراف - اگر نماینده معترم مراجعه فرمایند بجواب سابق بنده گمان می کنم این سؤال جواب داده شده است ولی چون سؤال خود را تجدید کردند بنده هم جواب را تجدید میکنم از طرف ریاست وزراء در موقعی که کتترات مولیر منقضی شد شرحی نوشته شد که مولیر موقتاً مشغول کار باشد تا کتترات مشارالیه بمجلس پیشنهاد شود وزارت پست و تلگراف هم نظر بامر ریاست وزراء بمولیر ابلاغ کرد که مشغول کار باشد برای اینکه انتظام امور از هم نیاشد تا وقتی کتترات او بمجلس تقدیم شود

رئیس - (خطاب با آقای حاج شیخ اسدالله) باز اظهاری دارید؟

حاج شیخ اسدالله - بلی زیاد تر عرض نمیکنم فقط عرض میکنم بی چاره ایرانی بنده سؤالی کردم و جواب بنده را آقای وزیر پست و تلگراف نفرمودند عرض کردم خیال تجدید کتترات دارند؟ اگر خیال دارند کی کتترات او را تجدید خواهند کرد و بمجلس خواهند آورد؟

وزیر پست و تلگراف - اولاً آه و ناله که آقای حاج شیخ اسدالله میکنند بنده هیچ موردی برایش نمی بینم مثل این میماند که فقط ایشان خیر خواه ایرانی هستند و افراد وزراء که بایک مسئولیت هائی باین عظمت نشسته اند و کار میکنند دل سوز و خیر خواه ایرانی نیستند بنده کاملاً این اظهاراتشان را تکذیب میکنم. اما اینکه اظهار نمودند کتترات او را تجدید خواهند کرد یا خیر عرض کردم بمجلس پیشنهاد خواهد شد اما اینکه قطعاً معین کنم در چه روز و چه ساعت پیشنهاد خواهد شد نمی توانم این کار را بکنم و گمان نمیکنم هیچ و کیلی هم از هیچ وزیری بتواند چنین سؤالی بکند این مسئله نظر بمصالح است و هر وقت وزیر صلاح بداند برای انتظام اداره اش کتترات او را بمجلس پیشنهاد کند خواهد کرد

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - البته لازم نیست بنده اهمیت معارف را شرح بدهم یا اینکه بگویم در مملکت ما امروزه چقدر بنظر بی اهمیتی باونگام میکنند بدبختانه در مملکت ما آنطور که باید معارف اداره شود نمی شود و باین واسطه ما امیدوار نیستیم بهیچ کار موفق شویم بیغشید بنده جمله معترضه عرض نمیکنم مقدمه سؤال است مگر این جا عرض کرده ام که که امتیاز فضلی در این مملکت وجود ندارد و تا امتیاز فضلی در

این مملکت منظور نشود بهیچ کاری در این مملکت امید اصلاح نیست
تا در این مملکت تحصیلات و دیپلم يك جوان تحصیل کرده باندازه توصیه بنده ارزش نداشته باشد آن مملکت رو بخوبی نخواهد رفت باز هم مقدمتاً عرض میکنم معارف در مملکت ما طرف توجه نیست و بزرگترین بدبختی ما است بدبخت معلمین بدبخت عرض اینکه وقتشان را در اطان ابتدائی صرف کنند که بچهای شش هفت ساله را در آنجا تربیت کنند در همان آن باید در این فکر باشند که حالا که منزل رفتند يك لقمه نان ندارند و جواب طلبکار را چه باید بدهد حقوق يك معلم ابتدائی شاید بیشتر از ۲ یا ۳ تومان نباشد

قلمیون - خیر ۲۱ تومان است
سلیمان میرزا - دیگر بدتر بایست و يك تومان يك معلم یعنی يك کسی که مدتی زحمت کشیده و تحصیل کرده و می خواهیم طفل ما را طوری تربیت کند که در آتی بهر این مملکت بخورد و محتاج بارویائی نشویم شیخ علیه الرحمه می فرماید کسی که گرفتار ویای بند عیال است وقتی پیش خدا میرود عبادت کند توجه ندارد حال ملاحظه فرمائید این بدبخت معلم زحمت کشیده و تحصیل کرده

اولاً متأسف است چرا وقتش را صرف تحصیل کرده اگر صرف يك توصیه از بنده میکنم در مریک اداره میشد این يك افسوس که برایش هست افسوس دوم اینکه حالا که معلم است و می خواهد واقماً خدمت کند باید ششماه حقوق ناقاباش عقب بیفتد فکر کنید چه قسم وصول کند تعطیل کند عریضه بنویسد این طرف و آن طرف بدود که این بیست و یک تومان حقوق را با بدهند یا بدهند محققاً وقتی که توجه ما نسبت بمعارف اینقدر باشد حال شاگردان آن مدارس هم معلوم است همانطور که آقایان می دانید معلمین که تعطیل کرده بآنها وعده و اطمینان داده شد که حقوق عقب افتاده آنها پرداخته شود در صورتی که مدارس تقریباً بیست و یک هزار تومان و کسری گویا بودجه اش باشد در صورتیکه در این مملکت اگر درست توجه فرمائید هر تاز کوچکی بیست و یک هزار تومان خرج دارد شاید مهندسین وزارت فوائد عامه هم همین اندازه مخارج داشته باشند با این حال معلمین بیچاره چهار ماه طلب دارند و علاوه بر این برج قوس هم که در تاریخ گذشته گرفته اند و معلمین گویا نرسیده با يك ترتیبات اداری گویا از بین رفته و چهار ماه هم حقوقش عقب بیفتد باید اشخاص که در خانه های مزین زندگی می کنند قدری نظر بحال این بیچاره های کنند که این بیچاره که از صبح تا شام با بچه سر کله زده در خانه اش چه قسم باید زندگی کند و چهار ماه بنجامه حقوق نگیرد حالا مطابق سؤالی که آقای تدین فرمودند معلوم شد کمیسیون تطبیق حوالات اشکال کرده و آقایان وزراء هم تصویب نامه صادر فرموده اند که این پول داده شود نمیدانم این هشتاد هزار و یا هشتاد هزار تومان چه وقت بایسن معلمین خواهد رسید بمبارت

تدریس باشند پیوسته در این خیالند که کی حقوق آنها میرسد و در باب اینکه فرمودند بودجه کی تهیه شده و مجلس خواهد آمد عملاً قریب بودجه معارف بمجلس تقدیم خواهد شد و امیدوارم آقایان نمایندگان محترم همراهی کامل بفرمایند و بودجه معارف و اینک محل نقدی حواله بفرمایند که من بعد انشاء الله نه آخر ماه بلکه اول هر ماه حقوق معلمین را بدهند .

سلبهان میرزا - برای آقای وزیر از عبارت بنده سوء تفاهمی تولید شده اولاً بنده عمارت ایشان را دیده‌ام چندان مزین نیست و خودشان گرفتارند بنده ایشان را عرض نکردم در عمارت مزین می‌نشینند و فکر نمی‌کنند خود ایشان هم معلم هستند و البته بفکر هستند آنچه بنده گفتم راجع باشخصی است که صاحب ملیونها هستند و باز هم ماهی هزار تومان دوهزار تومان شهریه می‌گیرند و اگر هم قدری عقب بیفتد وزیر مالیه را عاجز میکنند (و حال چون در این موضوع نمیخواهم داخل شوم عرض نمیکنم) آنها را عرض کردم که در خانه‌های مزین نشسته و هیچ فکر نمیکنند و این شهریه‌های زیاد را مالیه فقیر این مملکت می‌گیرند همانطور که چند شب قبل هم عرض کردم مجلس نباید این شهریه‌ها را به آنها بدهد و اگر بنده اکثریت داشتیم همین الان روی تمام آن شهریه‌ها را یک خط می‌کشیدیم (شاید الان هم اکثریت با من همراه باشد) که آن آقایان میلیونر که بغربی از عهده مخارج خودشان برمی‌آیند دست از کریبان این مالیه فقیر مملکت بردارند اینهم یک جمله معترضه بود و آقای وزیر تصور نکنند که بایشان گفتم آن اشخاصی باید بنشینند و فکر کنند اما راجع بحقوق معلمین بنده اول امیدوار شدم که هیئت وزراء جداً تصمیم گرفته‌اند این حقوق عقب افتاده را بدهند حالاً قدری تردید فرمودند امیدوارم با جدیتی که ایشان و تمام نمایندگان در امر معارف دارند بیشتر سعی کنند که هر چه زودتر حقوق آنها داده شود چون موضوع ، موضوع سؤال است و بیشتر نمی‌توانم عرض کنم همینقدر عرض میکنم خوب است آن فرمایشی که حضرت رسول ص فرمودند اول اولیاء امور در باره خودشان مجری دارند یعنی خودشان خرمانغورند بعد بدیگری بگویند بخود سه چهار ماه خودشان حقوق نگیرند بعد بمعلمین بگویند نگیر

وزیر معارف - البته تادینار آخر حقوق معلمین پرداخته خواهد شد و خود شاهزاده محترم هم مسبوق هستند که بنده نهایت جدیت را دارم که هر چه زودتر حقوق آنها برسد در باب خرما هم همینطور است که فرمودند به بنده هم چندین ماه است نه از حقوق معلمی و نه از غیر آن چیزی نرسیده است

رئیس - سؤالات تمام تمام شد مجلس ختم می‌شود جلسه آتی روز سه‌شنبه دو ساعت بغروب ؟ دستور هم بقیه دستور امروز خواهد بود

« مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد » .

آخری سؤال بنده دارای دو مطلب است یکی این که این حقوق عقب افتاده را تا چه وقت تصور میفرمایند بآنها هم برسید یکی هم برای این که مجدداً بنده این سؤال را بکنم و معلم بیچاره بداند که آخر هر ماه حقوقش روی میز اطاقش می‌باشد و نباید عقب حقوقش بسدود چه فکری کرده اند ؟

وزیر معارف - بنده اولاً خیلی از آقایان نمایندگان محترم تشکر میکنم که در باب معارف سؤالاتی میکنند زیرا بر بنده مدلل میدارد که خیلی علاقمند بمعارف هستند در باب نرسیدن حقوق معلمین بنده پیش از همه کوشش دارم که هر چه زودتر حقوق آنها برسد و از وقتی که متصدی معارف شده‌ام همه وقت این کوشش را کرده‌ام و تا حال هم هر یولی بوزارت معارف رسیده بمعلمین داده شده است و اگر هم عقب افتاده آقایان هم مسبوقند بواسطه هسرت مالیه مملکت بوده اند تا کنون باین خدمت بنده باید حقوق عقب افتاده آنها رسیده باشد و امیدوارم تا آخر این برج باز یک مبلغی بآنها داده شود و همینطور هر وقت بخزانه دولت وجهی برسد فوری گرفته و بمعلمین داده می‌شود و امیدوارم تازه یانزده روز دیگر آرزوی بنده حاصل شده یعنی حقوق عقب افتاده آنها را وصول کرده و تادینار آخر طلب آنها پرداخته شود و چنان که عرض کردم فقط نرسیدن حقوق آنها بجهت هسرت مالیه مملکت بوده و نمی‌توانم عرض کنم تا چند روزی تمام طلب آنها بآنها داده خواهد شد ولی یقین دارم تا آخر این برج بآنها پول مهمی داده خواهد شد که برای زمستان آسوده باشند .

اما راجع باینکه در خانه‌های مزین می‌نشینند و فکر نیستند اینطور نیست بنده هم در خانه خودم نشسته‌ام آسوده نیستم و همیشه بخيال معلمین هستم راجع به برج قوس هم باید عرض کنم که حقوق آن بر معلمین حیث و میل نشده است اخیراً مطابق تحقیقی که در در این باب شده است و مطلب معلوم شده این است که در موقع پرداخت حقوق برج قوس بعضی مخارج فوری و فوری در وزارت معارف پیدا شده و بعضویت وزیر وقت آن یعنی برای آن مخارج مصرف شده و ترتیب آن درج را بد منتشر خواهد شد که عموم اهالی بدانند این پول حیث و میل نشده و پس افت حقوق برج قوس هم به مستحقین خواهد رسید راجع بحواله هم که فرمودند کمیسیون تطبیق حوالجات رد کرده تصویب نامه صادر شد عرض نکردم تصویب نامه جدیدی صادر شده عرض کردم کمیسیون تطبیق حوالجات بنمایند وزارت معارف چنین جوابی داده است که باید بتصویب مجلس برسد ولی این بودجه مربوط بسابق بود زمن با آقای رئیس الوزراء عرض کردم که کمیسیون تطبیق حوالجات چنین جوابی داده در صورتی که ناپاستی چنین جوابی بدهد قرار شد نوشته شود که این وجه مثل سابق داده شود تا بودجه جدید بمجلس تقدیم گردد و همینطور که فرمودند بودجه وزارت معارف کم است و افسوس که این بودجه کم است هم خیلی بی ترتیب میرسد و معلمین عوض اینکه با خیال راحت در فکر